



گفت و گو با مرتضی فرشباف؛ کارگردان فیلم سینمایی «تومان» درباره موفقیت در جشنواره فجر:

کلید موفقیت در اکران عمومی

محمد رضا کاظمی

مرتضی فرشباف، از آن دست کارگردان‌هایی است که در کارنامه هنری‌اش فیلم‌های خاص زیادی دارد؛ فیلم‌هایی که اکثر آدر جشتواره‌های معتبر خارجی و داخلی با اقبال مواجه شده‌اند و همین مساله نشان می‌دهد او قواعد فیلمسازی برای قستیوال‌های سینمایی را به خوبی می‌شناسد. به مناسبت اکران فیلم جدیدش در دومین روز جشتواره در سینمای رسانه، با این کارگردان جوان گفت‌وگو کردیم و او بر ایمان هم از پیچیدگی‌های تولید این اثر گفت، هم از نگرانی‌هایش برای اکران عمومی آن.

فیلم «تومان» در رابطه با چه موضوعی است؟

قصه این فیلم، قصه دو دوست است که سعی می‌کنند از راه شرط‌بندی و پیش‌بینی مسابقات فوتبال و اسب‌دوئی در منطقه ترکمن صحرا از موقعیت طبقه کارگری‌شان میان‌بر بزنند و خیلی سریع بتوانند پولدار شوند.

چطور شد که ترکیب بازیگران‌تان را بیشتر از چهره‌های تئاتر انتخاب کردید؟

این فیلم یک هسته اصلی چهار نفره دارد که بازیگرانش میرسعیدمولیان، مجتبی پیرزاده و ایمان صیادبرهانی هستند که هر سه از تئاترهای خیلی قدیمی و البته خوب به‌شمار می‌آیند و بازیگر زن هم پردیس احمدیه است.

دلیل خاصی داشت که کار را به تئاترهای هاسپردید؟

این خیلی مهم بود که بازیگران این فیلم گذشته تئاتری داشتند چون فیلم یک گستره زمانی یک‌ساله را نشان می‌دهد و بازیگران تغییرات فیزیکی و حسی خیلی زیادی را تجربه می‌کنند، به همین دلیل خیلی دوست داشتم بازیگران کار از فضای تئاتر باشند که هم پیش‌دواری‌های معمول سینمای ایران را نداشته باشند و برای تماشاچی تازه‌گامی داشته باشند و هم بتوانند پیچیدگی‌های روانی شخصیت‌ها را به مخاطب منتقل کنند.

اقلیم و محیط تازه فیلمی بسازم که برای تماشاگر جذاب باشد و شبیه یک فیلم توریستی نباشد. یعنی جغرافیا در خدمت درام فیلم باشد که این خیلی سخت بود. دومین چالش هم این بود که ما تعداد گریم و تنوع زمانی داشتیم، فیلم چهار فصل دارد و برنامه‌ریزی برای این فرآیند پیچیده خیلی سخت‌ست سعیدملکان برای طراحی گریم و به‌طور کلی گروه گریم‌سختی‌های زیادی کشیدند و ساعات فراوانی را صرف کردند. واقعاً سخت بود طوری فیلمبرداری کنیم که وقفه‌ای در کار نداشته باشیم و بتوانیم یک ضرب‌هر چهار فصل را بگیریم. به همین دلیل هم تمهیداتی را که باید برای طراحی صحنه و لوکیشن هر فصل در نظر می‌گرفتیم، با فیلمبردار و طراح صحنه، مطرح می‌کردیم و هم‌زمان سعی کردیم برای بخش‌های مختلف مثل گریم از جاه‌طلبی‌مان کم نکنیم و این تنوع فضا و چهره‌ها را داشته باشیم و خودمان را محدود نکنیم. در نهایت هم ما چهار فصل را در هشتاد روز فیلمبرداری کردیم که این هم از پیچیدگی‌های تولید این فیلم بود.

روند شکل‌گیری فیلمنامه و تولید چقدر طول کشید؟

نوشتن فیلمنامه حدود یک سال و نیم طول کشید و خیلی زمان برد چون فیلم شرایط زمانی گسترده‌ای دارد. من ابتدا فیلمنامه را به صورت مفصل نوشتم و بعد شروع کردم به ترانسیدن و کم کردن آن. وقتی مقطع زمانی در داستان تغییر می‌کند و مثلاً از بهار به تابستان می‌خورد، طبیعتاً وضعیت کاراکترها، محیط زندگی و موقعیت اقتصادی‌شان هم تغییر کرده‌ست. در چنین شرایطی باید این قطع شدن را در فیلمنامه وارد کرد تا تماشاچی گیج نشود و خط‌قصه را از دست ندهد. این مورد هم از نکات سخت‌فیلمنامه‌بود تا این هماهنگی و یکدستی به وجود بیاید و شاید به همین خاطر بود که نوشتن آن یک‌سال و نیم زمان برد.

این خط زمانی گسترده‌تر تولید چطور نشان دادید؟

در زمینه تولید هم با آقای سعیدی مسیر سختی را رفتیم و فقط یک بار توقف داشتیم. یعنی یک بخشی در حد هفتاد و سه روز را در بهار و تابستان پشت سر هم گرفتیم و بعد یک وقفه ایجاد کردیم و برای فصل زمستان هشت روز فیلمبرداری کردیم. چون در منطقه گنبد یک بیست‌سابقه‌ای وجود دارد و تنها جایی است که دو هزار تماشگر دارد، نمی‌شود از این تعداد تماشاگر در فصل تابستان خواست لباس زمستانی بپوشند یا به همین دلیل مجبور بودیم برگردیم و آن بخش‌ها را در فصل خودش بگیریم. حفظ زاویه‌های حسی بازیگران بعد از این وقفه هم از پیچیدگی‌های تولید بود. خیلی از تهیه‌کننده‌ها معمولاً در برابر این‌که همین روند فیلمبرداری وقفه بیفتد مقاومت می‌کنند، اما تهیه‌کننده‌های «تومان» با این فکرها بودند و من را تشویق کردند که این ریسک‌ها را انجام بدهم.

فکر می‌کنید این فیلم در جشتواره بعد از آن در اکران با اقبال مواجه می‌شود؟

یکی از معادلات مجهول سینما، برخورد فکری مخاطب با یک اثر و پیش‌بینی ناپذیر بودنش است. خیلی از فیلم‌ها هستند که تمام ساختارهای معمول سینمایی را که پیش از این جواب داده‌اند امتحان می‌کنند، اما جوابی نمی‌گیرند. در این فیلم هم خیلی از المان‌های متعدد و متنوع و مرتبطی وجود دارد که بتواند با تماشاگر ارتباط برقرار کند و ولی پیش‌بینی من این‌ست که فیلمبرداری استثنایی آقای نجفی حتماً دیده می‌شود. گرما و روند روان و ولایت فیلم و بازی بازیگران و قصه هم کاملاً کشش جذب مخاطب را دارند، اگر چه همه این مولدهای تولید صرفاً یک خوش‌خیالی باشد.

بله متأسفانه، در چند سال اخیر فیلم‌های زیادی بودند که بعد از جشتواره هم موفق بودند، ولی به طور خاص در اکران عمومی زمین خوردند و فرو نشانی موفقیتی داشتند.

مساله اکران عمومی پیچیده‌تر است و از آن بحث‌هایی است که حتی از فکر کردن به آن هم بی‌زارم ولی من از ابتدای شروع این روند به دلیل ظرفیت موجود در قصه، اکران را هدف قرار دادم و نمی‌خواستیم «تومان» در هنر و تجربه اکران شود. به همین دلیل هم جشنواره فجر کلیدی‌ست و فیلم‌های این چنینی اگر در جشنواره موفق باشند، شانس بیشتری برای اکران عمومی موفق پیدا می‌کنند، و اگر نه هزار توی پیچیده اکران چیزی‌ست که فیلم‌های زیادی را باخیل ستارگان و عیار و اعتبار فیلم‌های قبلی دست‌اندر کارش، پشت خط اکران نگه داشته یا حتی زمین زده‌است.



واقعا سخت بود طوری فیلمبرداری کنیم که وقفه‌ای در کار نداشته باشیم و بتوانیم یک ضرب‌هر چهار فصل را بگیریم. به همین دلیل هم تمهیداتی را که باید برای طراحی صحنه و لوکیشن هر فصل در نظر می‌گرفتیم، با فیلمبردار و طراح صحنه، مطرح می‌کردیم.

با خیلی زیاد، این فیلم اولین تجربه من است که دست‌اندر کارش برای مخاطب عام طراحی شده‌ست. هم تمپو خیلی خوبی دارد هم نوع جنس کار اکثره‌های تولید برای هر ستاره سینما جالب‌اند که این کار را بازی کند، ولی بعد از اینکه ما یک مسیری را در ابتدای راه بنا نهادیم محمدزاده رفتیم و بعد نوید گرفتار فیلم «سرخپوست» شد. تصمیم گرفتیم با این تیم کار را جلو ببریم و حال‌امی بینیم که مولیان، پیرزاده و صیادبرهانی هر سه برای نقش‌هایشان غیر قابل جایگزین هستند. خلاصه‌ما تصمیم گرفتیم این ریسک را بکنیم و فکر کنیم که سینمای ایران سینمایی نیست که فروشش خیلی متکی بر بازیگر باشد و بیشتر بر نکاتی مثل قصه و روند روایی متکی‌ست.

در مسیر ساخت این فیلم با چه مشکلاتی روبه‌رو شدید؟

بزرگ‌ترین چالش ما در «تومان» این بود که این فیلم در سینمای ایران فضای آشنایی ندارد. در تهران اتفاق نمی‌افتد و خیلی هم شبیه فیلم‌هایی نیست که بر خورد خوبی با فضای شهرستان‌ها ندارد و آنجا را یا کلر تپستالی نشان می‌دهند یا توریستی. چون خودم بزرگ‌شده‌ان فضاهم‌ستم و نخوستم فیلم چنین نکاتی داشته باشد. این برای من از چالش‌های خیلی سخت بود که در یک

دهه ۶۰ ◀ ۱۱ فیلم

۱۳۶۱ «خط قرمز» اثر مسعود کیمیایی بر اساس فیلم‌نامه سمور میرام بیضایی
۱۳۶۴ «آب و سوس» اثر بدالله صمدی بر اساس فیلم‌نامه «برونده قدیمی بیزر آباد» از بهرام بیضایی
۱۳۶۵ «ناخدا خورشید» اثر ناصر تقوایی بر اساس رمان «داشتن و نداشتن» از ارست همبنگوی
۱۳۶۸ «هلمون» اثر داریوش مهرجویی بر اساس خاطرات سورن کیر گگارد

دهه ۷۰ ◀ ۱۲ فیلم

۱۳۷۱ «سازا» اثر داریوش مهرجویی بر اساس

نمایشنامه خانه عروسک از هنر یک ایبسن

۱۳۷۳ «پری» اثر داریوش مهرجویی بر اساس رمان فرنی و زویی جر و م دیوید سلینجر
۱۳۷۶ «درخت گلانی» اثر داریوش مهرجویی بر اساس داستان جایی دیگر از گلی ترفی

دهه ۸۰ ◀ ۱۸ فیلم

۱۳۸۱ «شب‌های روشن» اثر فرزاد موتمن بر اساس داستان شب‌های سپیدار از فتودور داستایوفسکی
۱۳۸۲ «همان مامان» اثر داریوش مهرجویی بر اساس رمان مهمان مامان هوشنگ مرادی کرمانی

رکورددار اقتباس در جشنواره فیلم فجر

داریوش مهرجویی با ۷ فیلم



۱۳۸۵ «سنجوری» اثر داریوش مهرجویی برداشت آزاد از عقاید یک دانش‌مندی

۱۳۸۷ «سوراستار» اثر تهمینه میلانی بر اساس رمان آگوستوس از هرمان هسه

دهه ۹۰ ◀ ۱۶، ۱۳۹۷ فیلم

۱۳۹۲ «شمار ۱۴۲» اثر نرگس آبیاری بر اساس خاطره‌ای از کتاب تفحص حمید دلوودآبادی
۱۳۹۴ «ایستاده در غبار» اثر محمدحسین مهدویان بر اساس زندگی‌نامه احمد متوسلیان و کتاب‌هاله‌ای از غبار